

# میرزا آقاخان گرمانی



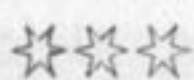
میرزا آقاخان به تمام جزئیات حیات و امور اجتماعی و تمدنی ایران پرداخته و در هر شعبه از آداب و رسوم و مفکورات ایرانی داخل شده حتی راجع به خط و طرز شعر و تنقید در آداب اکل و لباس و غیره فروگذار نکرده و همه جا خود را متجدد و ترقی دہست معرفی نموده است. مخصوصاً در نویسندگی میرزا آقاخان سبک جدیدی به ظهور آورده و اغراق گوئی و ظرافتکاری و تسبیح سازی قائم مقام را متروک و طرز ساده و سهل عبارت نویسی را بمیان آورده است. آثار میرزا آقاخان بیشتر شبیه بمقالات و لوایح روزنامه است که با زبان آسان برای بیان حقایق بکار برده است. میرزا آقاخان در مجسم کردن وضعیات اجتماعی و سیاسی فوق العاده مهارت بخرج داده است. از این حیث استاد روزنامه نگاری در عصر مشروطیت محسوب میشود.

میرزا آقاخان بعد از این که تمام فساد و بدبختیهای جامعه

را تحت مداقه قرار میدهد و در طی افکار خود تمام طبقات  
اجتماعی را بنظر امتحان و تنقید مینگرد از قیام و اقدام تمام طبقات جامعه  
مأیوس و آنها را خراب و ناقص می یابد راه علاج و چاره  
منحصر را در این میدانده که : «قوه های پثرمرده ملت را دو چیز  
بیدار میکند و جاندار میگرداند یا شمشیر دشمنان و یا زبان  
فیلسوفان و لا غیر» (۱) تناقض واضح بین این فکر و  
افکار سابقه او روشن است زیرا که همین نویسنده تمام خمود  
و سفالت و بد بختی و عادات زشت ملت ایران را در نتیجه  
« شمشیر دشمنان » یعنی حمله عرب میدانده و اینک مدعی است  
که زنده شدن روح ملی و بیداری و پیشرفت ملت بان هم  
مربوط به « شمشیر دشمنان » است. این نویسنده و سایرین  
مدعی هستند که اواخر سلطنت سامانیان طبقات ممتاز و درباریان  
و روحانیون ایران دچار عیاشی و فساد شده و این روح فساد  
و عیاشی به طبقات ملت هم سرایت کرده بود قوای روحی  
طبقات مختلفه ایران بقول میرزا آقا خان پثرمرده شده بود  
اگر « شمشیر دشمنان » میتوانست آنها را بیدار و زنده کند

میبایستی ایرانیها بر پای خاسته و از وطن خود دفاع کنند  
 اما بالعکس ایرانیها مغلوب مشتی اعراب شده و دویت سال  
 مستقیماً در تحت حکومت اسلامی واقع گردیدند و « شمشیر  
 دشمنان » بعد یعنی ترك ها و مغولها هم آن ها را نجات نداد  
 و روز بروز بر ذلت و اسارت و بد بختی افزوده شد . همان  
 طوری که « شمشیر دشمنان » نمیتواند روح ملت را از پثر مردگی  
 برهاند همین قسم زبان فیلسوفان و حکماء هم قادر بجلو گیری  
 و انحطاط و بد بختی نمیتواند بشود . انقضاضها و انحطاطات در  
 جامعه های بشری ریشه ها و علل دیگر غیر از آن چه نویسنده  
 تصور کرده دارند . هیچوقت از زبان هیچ فیلسوفی قادر نیست که  
 سیر قانون حرکت جامعه پرآل بهم علل انسانی ظهور فلاسفه خود  
 مربوط به وضعیات مادی و اجتماعی است و اگر در جامعه  
 زمینه پیدایش يك فلسفه یا نظریه فلسفی موجود نباشد ممکن  
 نیست فیلسوفی با طریقه و سبک فلسفی خود ظهور پیدا کند  
 این دولتها که مغلوب دول دیگر شده این ملل که پامال ملل دیگر  
 شده اند دارای هزاران فیلسوف بزرگ و دانشمند عظیم بوده  
 معذک هی کمکی بیداری آن ها نکرده و آن ها را بطرف

فتح سوق نداده است . ایران بدست اعراب و مغول یونان بدست اسکندر و روم و روم بنوبه خود بدست ژرمنها مغلوب و مقهور شدند و حال آنکه فلسفه آن ها قوس صعود را می پیمود و هزاران زبان توانای فیلسوفان وجود داشت !!



پس از آنکه همه افکار وسیع و متضاد میرزا آقا خان را بطور خلاصه ذکر کردیم و در هر مورد نظریات خود را با آن ها مقابل نمودیم چون اصل نظریه این نویسنده بزرك در مسائل سیاسی و اجتماعی روشن نشد با وجود اینکه نشان دادیم در چه زمینه اقتصادی و سیاسی بظهور آمد اینک خواننده حق دارد از ما بپرسد پس میرزا آقا خان در جامعه چه اصلاحات و تبدلاتی را مطالبه میکرد و برای نیل بدانها چه راهی را نشان میداد ؟

راستی این سؤال در حق این نویسنده عصبانی که آنقدر زیاد نوشته و همه جا مجبور شده افکار متضادی ابراز دارد بقدری مهم است که جواب آن خیلی آسان نیست . مخصوصاً چون ما نتوانستیم مقالات منتشره او را که در روز نامه «اختر» اسلامبول

منتشر شده مطالعه کنیم و خط مشی سیاسی او را بفهمیم .  
اما پس از مقایسه افکار این نویسنده با نویسندگان اروپا  
که در ادوار مختلفه بظهور آمده اند و نقطه نظر علمی او  
نسبت باوضاع اجتماعی و پس از این که کلیات مسائلی را که  
تحت تدقیق در آورده بطریق استنتاج و قیاس با جزئیات و  
مسائل جاریه زندگانی جامعه تطبیق نمائیم با لایحه نظریات  
او را راجع بجامعه ایران و تمایلات سیاسی او را بخوبی  
میتوان درک کرد .

میرزا آقاخان چه طرز حکومتی را برای ایران آرزو می  
کند ؟ - در صفحه ۸۱ سه مکتوب او میخوانیم : « آه آه ! که  
بیچاره ایرانیان هزارسال بفقیر و فاقه و ذلت گرفتارند و ابداً  
فکر آن را ندارند که اقلاً مثل يك دولت كوچك فرنگستان  
ایران بدین بزرگی و خاک بدین وسعت و پر نعمت و شایسته  
زراعت را اداره و تعمیر و آباد کنند » . اگر نظریات و  
افکار او را که سابقاً شرح دادیم باین عبارت منضم نمائیم  
منظورات و مقاصد سیاسی واجتماعی او کاملاً واضح میشود .  
میرزا آقاخان میخواهد : ۱ - ایران آن روز با

وجود داشتن همه قسم معدنیات و محصولات طبیعی و اراضی حاصل خیز از این فقر و ذلت و خرابی خلاص شود یعنی تمام معدنیات آن استخراج و محصولات طبیعی آن طرف استفاده و اراضی حاصل خیز آن کشت و زرع شود.

۲ - همان راهی که دول کوچک فرنگستان در پیش گرفته

و به آبادانی و تمدن رسیدند ایران هم در پیش گیرد. ۳ - میرزا

آقاخان دشمن بزرگ دیسپوتیسم و حکومت مطلقه است.

۴ - وسائلی اتخاذ شود که ایرانیان گرسنه و ستمکش فوج فوج

از ایران به خارج مهاجرت نکنند. ۵ - زارعین و طبقات

دوم و سوم از چنگال حکام - مأمورین دولتی و سایر غارت

گران اجتماعی خلاص شوند. ۶ - يك رفورم قطعی و اساسی

در تمام مفاکورات ایران از قبیله اخلاق و رسوم و افکار

فلسفی و ادبی و اجتماعی و محو و انهدام موهومات و خرافات

و جانشینی علوم امروزه اروپائی. ۷ - ایران قوی و نیرو

مند شود و به عظمت و شوکت سابقه خود رجعت نماید.

۸ - صنعت ماشین و سرمایه های ایرانی بکار افتد حمایت کامل

از تجار و کسبه ایرانی. ۹ - میرزا آقاخان دشمن بی امان

ملوك الطوائفی و هرج و مرج است . ۱۰ - الغاء و نسخ  
كليه ماليات های سنگین كمر شکن . ۱۱ - ایرلن يك دولت  
مستقل شود - میرزا آقا خان مجاهد و مبارز برضد امپریالیزم  
و سرمایه دار های خارجی و دول استعماری است .  
آیا اینها آن چیز هائی نیست که دول فرنگستان در آن اوقات  
دارا بودند؟ -

میرزا آقا خان وطن خود را - به همان معنی بورژوازی  
فوق العاده دوست داشته و به شعائر ملی خود خیلی علاقه مند  
است و از این حیث تا شورونیزم پیش میرود .  
يك مطلب را هم بر افکار او علاوه کنیم - چنان که  
گفتیم میرزا آقا خان در بحبوحه نهضت اجتماعی و کارگری  
اروپا در قرن ۱۹ بسر میبرده بنا بر این افکار سوسیالیزم  
و انارشیزم هم به افکار سیاسی و اجتماعی او نفوذ کرده و  
این تمایل هم در آثار او دیده می شود . بهمین دلیل این  
نویسنده اول کسی است از نویسندگان ایران که به مسئله  
نهضت و قیام مزدك و فلسفه او به نظر جدی نگریسته و  
اصول آن را تشریح و علت ظهور و عدم موفقیت او را ذکر

نموده است او در این تحقیقات اتهامات و القآت مؤبدان و علمای  
مذهبی زردشتی و افتراهای طبقات حاکمه را تردید و بعظمت  
مقام فلسفه مزدک اعتراف مینماید و او تنها کسی است که با  
وجود قتل عام ۷۰ هزار نفر در یک روز به جرم  
عقیده و مسلک جمعی در عدالت انوشیروان تردید و خودداری  
میکند. اما در این قسمت هم باز به حقیقت مسئله نرسیده است  
و مزدک را مثل معلم تمام سوسیالیست ها و اصول اورا سرمشق  
سوسیالیزم امروزه اروپا میداند و این را نیز از مفاخر ایران  
قدیم محسوب میدارد و عدم پیشرفت او را زود بودن و حاضر  
نبودن جامعه بشری جلوه میدهد و مطالبات فرهنگی  
از میان این افکار باید بدل بالاخر حکمیت کرد که میرزا آقاخان  
یک نویسنده اجتماعی دموکرات و طرفدار طبقه دوم یا بورژوازی  
است و تمام طرحها و افکار او به نفع توسعه و ترقی سرمایه  
داران بومی است و از این راه مثل همان صنف سرمایه دار در  
موقع رسیدن به دستگاه حکومتی دشمن بی امان اصول ملوک الطوائفی  
است و لغو تمام موانع و محظوراتی را میخواهد که ترقی و  
پیشرفت اقتصاد ملی را جلو گیری میکند و ضمناً برای ایجاد زحمت



کشان و کارگران آزاد و مستقل تمام طبقات ستمکش و بد بخت را بدنبال خود برای استفاده بطرف جامعه دموکراسی و حکومت ملی سوق میدهد .

این آمال و آرزو ها را میرزا آقا خان به چه وسیله میخواهد عملی نماید ؟ - درنوشتجات و مکاتیب و آثار خود میرزا آقا خان این راه را بما نشان نمیدهد و چون میرزا آقا خان در راه اصول دموکراسی و حکومت ملی هنوز داخل در مرحله مستقیم مبارزه نشده بود این بود که وظیفه تاریخی او تنقید اوضاع و رژیم موجوده و تبلیغ و تهییج افکار بر له مقصد سیاسی خود بود ولی معذک اقدامات و تشبثات سیاسی او را که شرح دادیم راهی را که باید پیروان او برای وصول به مقصد در پیش گیرند عملاً نشان میدهد و همین که تاریخ روز تبدلات و تغییرات شدید و آشکار را معین کرد پیروان او در رأس آنها میرزا جهانگیر خان و سایر پیشروان مشروطیت ایران این وسیله را بموقع عمل گذاشتند .

با همه این مقدمات باید گفت که میرزا آقا خان در نوبه خود يك رول بزرگ اجتماعی مهم بازی کرده و قائد

يك نهضت عظیم یعنی دموکراسی ایران شده و يك صفحه درخشان  
تجدد در حیات ایران باز نموده است. این است که تاریخ و  
ملت ایران - با وجود اینکه میرزا آقا خان  
نویسنده و طرفدار اصول سرمایه داری است - باین مرد بزرگ  
با نظر احترام نگاه کرده و او را علمدار حریت سیاسی و ملی می شمارد.  
اگر بر این افکار تجدد خ- واهانه شجاعت و رشادت ادبی  
شخصی او یعنی مقاومت که در مقابل دشمن بخرج داد و به  
خلاف خیلی از انقلابیون ناقص تادقیقه آخر جرات و جسارت  
را از دست نداد و با ایمان کامل به عقیده خود باقی ماند و  
ابداً اظهار عجز و پشیمانی در مقابل هیچکس استبداد نکرد اضافه نمائیم آن  
وقت احترام و تمجید ما <sup>شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> بیشتر شایسته و سزاوار خواهد بود.  
ما در اثر انجام این <sup>رتال جامع علوم انسانی</sup> وظیفه تاریخی - تکلیف جامع ایران  
به پیش - و این فدا کاری و رشادت انقلابی است که با وجود  
تمام نواقص و کوتاه نظری های او و اختلاف شدید که با نقطه  
نظر این مرد تاریخی داریم معذک پس از سی سال باز هم  
در مقابل میرزا آقا خان کرمانی سر خود را با احترام و قدر  
دانی خم کرده و فعالیت فدا نا پذیر او را تقدیس می نمائیم -  
تهران - آبان ماه ۱۳۰۵  
ر. پدیدار